

نقش تنوع جنسیتی هیئت مدیره بر رابطه گزارشگری پایداری و خودداری از پرداخت مالیات در بورس اوراق بهادار تهران

علی نعمتی^{۱*}

محمدتقی سلطونی^۲

حسین جهان بخش رستمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵

چکیده

گزارشگری پایداری به مثابه یک نظام پاسخگویی چندبعدی، رابطه ای پارادوکسیکال با پدیده خودداری از پرداخت مالیات ایجاد می کند که در آن تنش ذاتی بین الزامات شفافیت محور و انگیزه های بهینه سازی مالیاتی، از طریق متغیرهای واسطه ای پیچیده ای قابل تحلیل است. در این پژوهش نقش تنوع جنسیتی هیئت مدیره بر رابطه گزارشگری پایداری و خودداری از پرداخت مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۸-۱۴۰۲ مورد بررسی قرار گرفت. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت، یک پژوهش توصیفی با تاکید بر روابط همبستگی است، زیرا از یک طرف وضع موجود را بررسی می کند و از طرف دیگر، رابطه بین متغیرهای مختلف را با استفاده از تحلیل رگرسیون، تعیین می نماید علاوه براین، در حوزه مطالعات پس رویدادی (استفاده از اطلاعات گذشته) قرار می گیرد و مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و سایر اطلاعات واقعی است که با روش استقرایی به کل جامعه آماری قابل تعمیم خواهد بود. نمونه آماری تحقیق به روش حذفی سیستماتیک تعداد ۱۲۰ شرکت انتخاب شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها در سطح خطای پنج درصد نشان داد: گزارشگری پایداری در خودداری از پرداخت مالیات شرکت ها تاثیر منفی و معناداری دارد و همچنین تنوع جنسیتی هیئت مدیره بر رابطه بین گزارشگری پایداری و خودداری از پرداخت مالیات شرکت ها تاثیر دارد. یافته ها حاکی از آن است که گزارشگری پایداری می تواند به عنوان ابزاری دوگانه عمل کند، از یک سو با افزایش شفافیت و پاسخگویی، رفتارهای مالیاتی تهاجمی را کاهش دهد و از سوی دیگر، با مشروعیت بخشی به شرکت ها، فضایی برای سوءاستفاده فراهم آورد. این تناقض، لزوم تدوین چارچوب های نظارتی یکپارچه و استانداردهای گزارشگری دقیق تر را برای همسو کردن اهداف پایداری با تعهدات مالیاتی برجسته می سازد.

واژگان کلیدی

گزارشگری پایداری، مالیات، خودداری از پرداخت مالیات، تنوع جنسیتی هیئت مدیره.

۱. استادیار گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Ali.nemati@iauctb.ac.ir. (نویسنده مسئول)

۲. کارشناس ارشد، گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mohammadtaghi.saltuni@iau.ir

۳. کارشناس ارشد، گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. h.jahanbakhshrostami@iau.ir

۱-مقدمه

پژوهشگران حوزه گزارشگری پایداری شرکت‌ها این‌طور استدلال می‌کنند که گزارشگری پایداری، نشانگر استاندارد حرفه‌ای و اخلاقی بالاتر مدیران است. گرایش مدیران به عملکرد یکپارچه و انجام امور به همان شکلی که هست، می‌تواند تأثیر مثبتی بر گزارشگری و حسابداری مالی شرکت‌ها داشته باشد (چوآیبی^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). گزارشگری پایداری به مباحث اخلاقی درباره رفتار و تصمیم‌گیری شرکت درباره موضوعاتی مانند مدیریت منابع انسانی، حمایت محیطی، سلامت کاری، روابط اجتماعی و روابط با عرضه‌کنندگان و مشتریان می‌پردازد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رضایت سهامداران را بهبود بخشیده و بر روی شهرت شرکت نیز اثر مثبتی دارد (چن^۲ و همکاران، ۲۰۲۳).

همچنین سهامداران شرکت‌ها علاقمندند بدانند آیا مدیریت شرکت به‌طور موفق مسئولیت خود را در برابر افزایش سود و ثروت سهامداران انجام می‌دهد. از طرف دیگر می‌خواهند بدانند آیا مدیریت شرکت که در پرداخت مالیات، دولت را فریب می‌دهد، آنها را نیز در سایه سیاست‌های مدیریتی فریب داده است یا نه. در نتیجه گزارشگری پایداری هم برای خود واحد تجاری و هم برای اجتماع سودمند است (وو^۳ و همکاران، ۲۰۲۴). با بررسی و مطالعه روند نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در کشور، مشخص می‌شود؛ هرچند تلاش زیادی در راستای بهبود این نسبت از ساده‌سازی قوانین، اصلاح نرخ‌ها و غیره صورت گرفته، ولی همچنان کشور با پدیده شوم و ناهنجار اجتناب و فرار مالیاتی دست به گریبان است که ضرورت دارد با انجام مطالعات بیشتر، ابعاد اخلاقی و اجتماعی این پدیده تجزیه و تحلیل شود. این دلیل اصلی است که محققان، ابعاد اخلاقی همانند گزارشگری پایداری شرکت‌ها را در چارچوب جهانی بررسی کرده‌اند. جوامع اجتماعی برای تأثیرگذاری و نفوذ در عملیات شرکت‌ها از طرق مختلف از جمله مقررات رفتاری و شفافیت تلاش می‌کنند. شرکت‌ها نیز در برابر این مقررات و فشار گروه‌ها از طریق ارتقای سازوکارهایشان واکنش نشان می‌دهند و به‌طور داوطلبانه مقررات رفتاری خاصی برای محدود کردن جنبه‌های عملیاتشان رعایت می‌کنند. یکی از سازوکارهای کاربردی شرکت‌ها برای این هدف، گزارشگری پایداری شرکت‌هاست (ریگوئن^۴ و همکاران، ۲۰۲۳).

به‌طور کلی واژه گزارشگری پایداری شرکت‌ها به ظهور یک جنبش اشاره دارد که وارد کردن عامل‌های محیطی و اجتماعی در تصمیمات تجاری شرکت‌ها، راهکارها و حسابداری با هدف افزایش عملکرد اجتماعی و محیطی در کنار ابعاد اقتصادی است؛ به گونه‌ای که برای واحد تجاری، جامعه و محیط سودمند باشد. گزارشگری پایداری شرکت‌ها، وسیله‌ای برای بحث درباره تعهداتی است که یک سازمان باید نسبت به جامعه خود داشته باشد. همچنین ابزاری است که به کمک آن منافع دوجانبه سازمان و جامعه در عمل به تعهدات، معین می‌شود. به‌طور خلاصه، گزارشگری پایداری بر ارتباطات یک سازمان با بهره‌ورانش تأکید می‌کند «گزارشگری پایداری، مجموعه وظایف و تعهداتی است که سازمان باید در جهت حفظ، مراقبت و کمک به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کند، انجام دهد» (حساس یگانه و همکاران، ۲۰۲۳).

هوزینوف و کلام^۵ (۲۰۱۲) در موضوع بررسی ارتباط اجتناب مالیاتی، مدیریت مالیات و مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها دریافتند آثار متقابل انتظارات اجتماعی با دستمزد مدیریت مالیات بر نرخ مؤثر مالیاتی نقدی و مبتنی بر

¹ Chouaibi

² Chen et al

³ Wu et al

⁴ Riguen

⁵ Huseynov, F., & B. Klamm

استانداردهای حسابداری، اثر مثبتی دارد؛ درحالی که اثر متقابل اقتدار حاکمیت شرکتی و تنوع بخشی با دستمزدهای مدیریت مالیات با نرخ مؤثر مالیات نقدی، اثر منفی دارد. از طرف دیگر باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات را ارزیابی کردند. نتایج پژوهش نشان داد بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت‌هایی که سازوکار حاکمیت شرکتی دارند با گروه شرکت‌هایی که سازوکارهای حاکمیت شرکتی ندارند، تفاوت معناداری نبوده است. این در حالی است که در هر یک از گروه شرکت‌ها درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی، معنادار بوده است. در نهایت نتایج بررسی‌های پورحیدری و سروستانی (۱۳۹۲) درباره عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات نشان داد بین فرصت‌های رشد و عمر شرکت با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین یافته‌ها بیانگر این است که نوع صنعت، تأثیر معناداری بر نرخ مؤثر مالیاتی دارد. افزون بر این، نتایج نشان می‌دهد مالکیت نهادی به‌طور منفی نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها را در تأثیر قرار می‌دهد. این نتیجه بیان می‌کند مالکان نهادی نقش جسورانه‌ای در مدیریت مالیات دارند.

علاوه بر این، مطالعات قبلی که به بررسی رابطه بین گزارشگری پایداری، اجتناب مالیاتی و تنوع جنسیتی هیئت مدیره می‌پردازد، به بررسی ارتباط مستقیم محدود شده‌اند و تحلیل غیرمستقیم را در نظر نگرفته‌اند. به ویژه، آنها اثر متقابل سایر ویژگی‌های ساختاری و زمینه‌ای شرکت را که تأثیر قابل توجهی بر تصمیم‌گیری سازمانی دارند، تجزیه و تحلیل نکردند. بنابراین، مطالعه ارتباط غیر مستقیم بین اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و گزارشگری پایداری موضوع با اهمیتی است. با توجه به رابطه بین حضور زنان در هیئت مدیره و گزارشگری پایداری، عیسی و فانگ^۱ (۲۰۱۹) نشان می‌دهند که تنوع جنسیتی هیئت مدیره به‌طور مثبت با سطح گزارش گزارشگری پایداری در دو کشور، یعنی بحرین و کویت، مرتبط است. در بازارهای نوظهور (مالزی، پاکستان و تایلند)، یاسر^۲ و همکاران (۲۰۱۷) رابطه معناداری بین تنوع جنسیتی هیئت مدیره و پذیرش افزایش یافته گزارشگری پایداری پیدا کردند. در این زمینه، بریستی^۳ و همکاران (۲۰۲۱) بر اهمیت در نظر گرفتن جنسیت در درک بیشتر نحوه رسیدگی شرکت‌ها به پیوند گزارشگری پایداری و عملکرد مالی شرکت تأکید می‌کند. در رابطه با مسائل گزارشگری پایداری، حجم وسیعی از ادبیات به‌طور گسترده رابطه بین گزارشگری پایداری و اجتناب مالیاتی از یک سو و رابطه بین گزارشگری پایداری و تنوع جنسیتی مدیران از سوی دیگر را بررسی کرده است. علاوه بر این، مطالعات کمی نقش تنوع جنسیتی هیئت مدیره را در رابطه بین گزارشگری پایداری و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بررسی کرده‌اند. بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده سوال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا

وجود تنوع جنسیتی هیئت مدیره بر رابطه بین گزارشگری پایداری شرکتی و اجتناب از مالیات شرکت‌ها تاثیر دارد؟ از منظر نظری، یافته‌های این پژوهش گام مهمی در غنای ادبیات حوزه‌ی حاکمیت شرکتی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی محسوب می‌شود، چرا که با آشکارسازی رابطه‌ی پویا بین گزارشگری پایداری و راهبردهای مالیاتی، چارچوبی تحلیلی برای درک تناقض‌های ذاتی بین شفافیت و بهینه‌سازی مالی ارائه می‌دهد. این پژوهش با تلفیق مفاهیم اقتصاد نهادی، نظریه‌ی ذینفعان و تئوری مشروعیت، نقش زمینه‌های نهادی و سازمانی را در تعدیل این رابطه برجسته می‌سازد و بدین‌ترتیب، پایه‌ای نظری برای پژوهش‌های آتی در حوزه‌ی تأثیر عوامل محیطی بر رفتار مالیاتی شرکت‌ها فراهم می‌کند. همچنین، توجه همزمان به ابعاد کمی و کیفی گزارشگری پایداری، شکاف‌های موجود در ادبیات پیشین را

¹ Issa, A. and Fang

² Yasser

³ Bristy

پوشش داده و امکان توسعه‌ی مدل‌های جامع‌تری را برای پیش‌بینی رفتار سازمان‌ها در قبال تعهدات مالیاتی و اجتماعی فراهم می‌سازد.

از منظر عملی، نتایج این پژوهش برای جوامع حرفه‌ای مختلف از جمله سیاست‌گذاران، حسابداران، مدیران شرکتی و فعالان حوزه‌ی پایداری دارای دلالت‌های کلیدی است. برای سیاست‌گذاران، یافته‌ها ضرورت بازنگری در استانداردهای گزارشگری پایداری را به‌گونه‌ای که شفافیت مالیاتی را نیز پوشش دهد، آشکار می‌سازد. حسابداران و حسابرسان می‌توانند از این نتایج برای توسعه‌ی چارچوب‌های نظارتی دقیق‌تر در راستای شناسایی تناقض‌های احتمالی بین گزارش‌های پایداری و رفتارهای مالیاتی استفاده کنند. از سوی دیگر، مدیران شرکتی با درک بهتر پیامدهای راهبردهای مالیاتی در چارچوب مسئولیت‌پذیری اجتماعی، می‌توانند تعادل بهینه‌ای بین منافع ذینفعان و تعهدات مالیاتی برقرار سازند. در نهایت، فعالان حوزه‌ی پایداری می‌توانند از این یافته‌ها برای طراحی کمپین‌های آگاهی‌بخشی در جهت ترویج شفافیت مالیاتی به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بهره‌برداری کنند.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- گزارشگری پایداری

گزارشگری پایداری به عنوان یک چارچوب جامع و نظام‌مند، نقش محوری در انعکاس تعهدات سازمانی به سوی توسعه پایدار ایفا می‌کند (آندراس^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). این فرآیند نه تنها به عنوان ابزاری برای شفاف‌سازی عملکردهای محیطی، اجتماعی و حکمرانی شناخته می‌شود، بلکه به عنوان پلی میان ذینفعان متنوع و سازمان‌ها عمل می‌کند تا انتظارات و الزامات پیچیده آن‌ها را در قالب داده‌های ساختاریافته و قابل اتکا پوشش دهد (داداش آغچه کند، ۱۳۹۶). متغیرهای کلیدی در این حوزه شامل شاخص‌های کیفی و کمی هستند که از یک سو به ارزیابی تأثیرات اکولوژیکی مانند کاهش ردپای کربن و مدیریت منابع طبیعی می‌پردازند، و از سوی دیگر، ابعاد اجتماعی نظیر عدالت در زنجیره تأمین، تنوع و شمول نیروی کار، و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را پایش می‌کنند. این متغیرها در تعامل پویا با استانداردهای بین‌المللی قرار می‌گیرند تا انسجام و مقایسه‌پذیری گزارش‌ها را در سطح جهانی تضمین نمایند (السعدی^۲، ۲۰۲۱). پیچیدگی ذاتی گزارشگری پایداری ناشی از ماهیت چندبعدی و میان‌رشته‌ای آن است که مستلزم تلفیق داده‌های ناهمگون و گاه متناقض می‌باشد. متغیرهای حکمرانی شرکتی، از جمله ساختار هیئت مدیره، سیاست‌های ضد فساد و حقوق ذینفعان، به عنوان ستون‌های اساسی این چارچوب، نیازمند تحلیل‌های عمیق و زمینه‌آگاهانه هستند تا از تبدیل شدن به گزاره‌های صوری جلوگیری شود. در این میان، نقش فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی در پردازش حجم انبوه داده‌های پایداری نمی‌تواند نادیده گرفته شود، چرا که این ابزارها امکان ردیابی بلادرنگ عملکردها و شناسایی نقاط بحرانی را فراهم می‌آورند (کاخسر، ۱۳۹۹). با این حال، چالش اصلی در تعریف و سنجش متغیرهای ناملموس همچون اعتماد اجتماعی و سرمایه انسانی نهفته است که نیازمند رویکردهای نوین کیفی و مشارکتی در گردآوری و تفسیر داده‌هاست (لیو^۳، ۲۰۱۳). این سطح از پیچیدگی، گزارشگری پایداری را از یک تمرین اداری ساده به یک فرآیند استراتژیک تبدیل کرده که مستلزم هماهنگی میان حوزه‌های مالی، اخلاقی و عملیاتی است.

¹ Andrades et al

² Alsaadi

³ Liu

۲-۲- خودداری از پرداخت مالیات

بحث اجتناب مالیاتی بیشتر در مورد شرکت‌هایی که موضوع جدایی مالکیت از کنترل در آن مطرح است عنوان می‌شود، زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک‌گریزی و یا انگیزه‌های درونی مثل وظیفه‌ی اجتماعی، کمتر درگیر فرار و اجتناب مالیاتی می‌شوند (الینگهام و سندمو^۱، ۱۹۷۲)؛ ولی در شرکت‌ها به طور معمول، سهامداران انتظار دارند که مدیران به دنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های احتمالی بیشتر از هزینه‌های اضافی مورد انتظار برای آن‌ها باشد، به دنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و افزایش اجتناب مالیاتی هستند. بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. از این رو، یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیئت مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند (جنسن و مک‌کلینگ^۲، ۱۹۷۶).

۲-۳- تنوع جنسیتی هیأت مدیره

تنوع جنسیتی هیئت مدیره به تنوع (ترکیب) جنسیت در هیئت مدیره اشاره دارد. در کل بر اساس مطالعات، مشارکت زنان موجب بهبود حضور اعضای هیئت مدیره و پاسخگویی مدیران مالی، افزایش پویایی و استقلال هیئت مدیره، افزایش تلاش حسابرسان، افزایش افشا و بهبود رفتار مدیریتی، کاهش ضعف در کنترل‌های داخلی و کاهش هزینه سرمایه می‌شود (وو و همکاران^۳، ۲۰۲۴). حضور زنان در هیئت مدیره و کمیته‌های حسابرسی روش مناسبی برای بهبود گزارشگری و افزایش اطمینان بخشی صورت‌های مالی برای استفاده کنندگان است. نظارت بهتر بر گزارشگری مدیران، که با حضور نمایندگان زن در هیئت مدیره امکان پذیر می‌شود، منجر به بهبود کیفیت سود می‌گردد. تنوع جنسیتی در مدیریت منجر به افزایش کیفیت سود، تأثیر بر مدیریت سود و کاهش مدیریت سود می‌شود (چن^۴ و همکاران، ۲۰۲۳).

۳- پیشینه پژوهش و توسعه فرضیه‌ها

به طور معمول در بسیاری از پارادایم‌های پژوهش، مروری بر ادبیات صورت می‌پذیرد. تحقیقاتی نزدیک به موضوع این پژوهش در ایران و در سطح سایر کشورها انجام شده است که در این بخش به اختصار مروری بر تحقیقات مزبور خواهیم داشت:

آندرید^۵ و همکاران (۲۰۲۴) به بررسی گزارش پایداری و فشارهای نهادی در محیط کشور اسپانیا پرداختند. داده‌ها از منابع مختلفی مانند یک سری مصاحبه‌های ساختاریافته از طریق ایمیل برای پرسنل کلیدی دانشگاه‌ها، تجزیه و تحلیل کیفی گزارش‌های پایداری و مشاوره از وبسایت دانشگاه‌های دولتی اسپانیا جمع‌آوری شد. یافته‌ها نشان داد که دانشگاه‌های دولتی اسپانیا با اتخاذ استراتژی‌های رضایت، سازش، اجتناب و سرپیچی به فشارهای نهادی برای گزارش‌دهی پایدار پاسخ داده‌اند. تنوع پاسخ‌های استراتژیک اتخاذ شده توسط دانشگاه‌های دولتی اسپانیا نشان می‌دهد که این سازمان‌ها به طور کامل به فشارهای نهادی پایبند نبوده‌اند.

¹ Allingham & Sandmo

² Jensen & Meckling

³ Wu et al

⁴ Chen et al

⁵ DiMaggio & Powell

⁶ Andrades et al

زیمون^۱ و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی گزارش پایداری و شهرت شرکت: اثر تعدیل کننده رفتار فرصت طلبانه مدیرعامل پرداختند. پژوهش ماهیت کمی داشته و بر اساس داده‌های تابلویی ۷۸ شرکت فهرست شده در بورس اوراق بهادار شانگهای به مدت ۸ سال از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹، با ۶۲۴ مشاهده انجام شد. نتایج نشان داد که گزارش پایداری بر شهرت شرکت تأثیر مثبت دارد. علاوه بر این، گزارش پایداری محیطی، گزارش پایداری اجتماعی، گزارش پایداری حاکمیتی و گزارش پایداری اخلاقی بر شهرت شرکت تأثیر مثبت می‌گذارند. قدرت مدیر عامل بر رابطه بین گزارش پایداری و شهرت شرکت تأثیر می‌گذارد. از آنجایی که مدیران تمایل به مشارکت در فعالیت های اجتماعی و اخلاقی دارند، سعی می‌کنند اشتباهات شرکت را پنهان کرده و شهرت آن را افزایش دهند. نتایج نشان داد که قدرت مدیر عامل بر رابطه بین پایداری حاکمیتی و شهرت شرکت تأثیری ندارد.

ریگوئن^۲ و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی تأثیر تعدیل کننده زنان مدیر بر رابطه بین گزارشگری پایداری شرکت ها و اجتناب مالیاتی شرکت ها؟ شواهد از مالزی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که سطح بالای گزارشگری پایداری با اجتناب از مالیات شرکت‌ها در شرکت‌هایی با درصد بالاتری از زنان در هیئت مدیره ارتباط منفی دارد. پیامدهای عملی یافته‌ها ممکن است برای محققان دانشگاهی، سرمایه‌گذاران و تنظیم‌کننده‌ها جالب باشد. برای محققان دانشگاهی، آن علاقه‌مند به کشف رابطه پویا بین گزارشگری پایداری، زن در هیئت مدیره و اجتناب از مالیات است. برای سرمایه‌گذاران، نتایج نشان می‌دهد که وجود مدیران زن در هیئت مدیره باعث کاهش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌شود.

الکحزلیج^۳ و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی رابطه بین مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و گزارشگری پایداری محیطی: شواهدی از شرکت‌های فهرست شده اردن پرداختند. این مطالعه نشان داد که اندازه هیئت مدیره بر گزارشگری پایداری محیطی تأثیر مثبت دارد، در حالی که استقلال هیئت مدیره و مالکیت مدیریتی بر گزارشگری پایداری محیطی تأثیر منفی دارد. از سوی دیگر، این مطالعه نشان داد که حضور زن در هیئت مدیره، دوگانگی مدیرعامل، مالکیت خانواده و مالکیت تمرکز بر گزارشگری پایداری محیطی تأثیری ندارد.

چوایی و قازی^۴ (۲۰۲۲) به بررسی ارتباط بین فعالیت‌های گزارشگری پایداری محیطی شرکت و هزینه حقوق صاحبان سهام، با استفاده از مدیریت سود واقعی پرداختند. برای آزمون فرضیه‌ها، نویسندگان رگرسیون خطی را با داده‌های تابلویی با استفاده از پایگاه داده تامسون رویترز، روی نمونه‌ای از ۵۴۰ شرکت اروپایی انتخاب شده در دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۹ اعمال کردند. یافته‌ها نتایج نشان می‌دهد که مدیریت سود واقعی تا حدی بر رابطه بین شیوه‌های گزارشگری پایداری محیطی و هزینه سهام در شرکت‌های اروپایی تأثیر دارد بر اساس این پژوهش، شیوه‌های گزارشگری پایداری محیطی می‌تواند برای سهامداران اولیه سودآور و مفید باشد.

خلیلی و همکاران (۱۴۰۳) به تبیین مدلی برای تأثیر فرهنگ سازمانی و عوامل اقتضایی بر گزارشگری پایداری با رویکرد عملکرد اقتصادی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی (توجه به جزئیات، توجه به ره آوردها و توجه به اعضای سازمان) و عوامل اقتضایی (افراد) مدل مناسب برای تأثیر گذاری و تبیین گزارشگری پایداری با رویکرد عملکرد اقتصادی در شرکت های بورس اوراق بهادار تهران هستند.

1 Zimon et al

2 Riguen et al

3 Alkhazalikh et al

4 Chouaibi & Ghazi

محمودی و همکاران (۱۴۰۲) به ارائه ی الگوی گزارشگری پایداری با رویکرد تئوری داده بنیاد در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. جامعه آماری در بخش کیفی ۱۲ نفر از خبرگان به روش نمونه گیری گلوله برفی و در بخش کمی ۲۱۸۴ نفر از مدیران و کارشناسان بود که به روش نمونه گیری تصادفی ساده ۳۱۷ نفر انتخاب گردیدند. ابزار گردآوری داده ها در بخش کیفی مصاحبه نیمه ساختاریافته و در بخش کمی پرسشنامه بود. نتایج علی بخش کیفی شامل ۵ مولفه الزامات محیطی، مشوق های محیطی، فشارهای محیطی، ویژگی های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور و ویژگی های محیط بین الملل، نتایج زمینه ای بخش کیفی شامل ۴ مولفه ویژگی های محیط شرکت، ویژگی های اقتصادی کشور، مشوق های مالی و محیط حسابداری و مالی کشور، نتایج مداخله گر بخش کیفی شامل ۶ مولفه ویژگی های ساختاری شرکت، ویژگی های حاکمیت شرکتی، رقابت در صنعت، ویژگی های رفتاری مدیران و ویژگی های عملکردی، نتایج راهبردهای بخش کیفی شامل ۶ مولفه استقرار نظام کنترل داخلی، آموزش مقوله پایداری، مشخص کردن نهاد مسئول پایداری، تدوین اصول و استانداردهای پایداری، تقویت و استفاده از فناوری های نوین و تشکیل کمیته پایداری در شرکت ها و نتایج پیامدهای بخش کیفی شامل ۵ مولفه حفظ محیط زیست برای نسل های آتی، افزایش اعتماد اجتماعی، کیفیت گزارشگری مالی، کیفیت گزارشگری مالی، ارتقاء کیفیت زندگی انسان ها و رشد بازار سرمایه بودند. در بخش کمی بالاترین رتبه مربوط به شرایط زمینه ای و کمترین شرایط مداخله گر بود.

قادرزاده و علوی (۱۴۰۱) به بررسی اجتناب مالیاتی: گزارشگری پایداری و نقش تعدیل گر مالکیت خانوادگی پرداختند. هدف این پژوهش بررسی تاثیر مسئولیت اجتماعی و مالکیت خانوادگی بر اجتناب مالیاتی با توجه به چارچوب نظریه نمایندگی و نظریه ذی نفعان است. همچنین نقش مالکیت خانوادگی بر ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی را مورد بررسی قرار می دهد. روش: به منظور آزمون فرضیه های پژوهش، ۷۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ مورد بررسی قرار گرفت. جهت آزمون فرضیه های پژوهش از رگرسیون چند متغیره با الگوی داده های ترکیبی استفاده شد. همسو با نظریه ذی نفعان نتایج نشان می دهد مسئولیت اجتماعی شرکتی با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری دارد. همچنین مالکیت خانوادگی رابطه بین مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی را تعدیل نمی کند. وجود مسئولیت اجتماعی شرکتی موجب کاهش اجتناب مالیاتی در شرکت های مورد مطالعه گردید. مالکیت خانوادگی ماهیت همپوشانی با مسئولیت اجتماعی داشته اما تعامل آن با مسئولیت اجتماعی به تقویت ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی منجر نگردید.

رضائی پشته نوئی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی بر رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش با توجه به نظریه ذینفعان نشان می دهد که بین مسئولیت پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی معنادار وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که مالکیت خانوادگی، مطابق با نظریه ثروت اجتماعی- عاطفی و همسویی منافع بین مدیران و مالکان و مسائل نمایندگی کمتر در آن، رابطه منفی بین مسئولیت پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت ها را تعدیل (تشدید) می کند. نتایج آزمون تحلیل حساسیت نیز نشان داد که استفاده از معیار جایگزین برای سنجش اجتناب مالیاتی نیز تاثیری بر نتایج اصلی پژوهش ندارد و نتایج پژوهش از استحکام برخوردار است.

رضائی پشته نوئی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی بر رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش با توجه به نظریه ذینفعان نشان می دهد که بین مسئولیت پذیری اجتماعی و

اجتناب مالیاتی رابطه منفی معنادار وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که مالکیت خانوادگی، مطابق با نظریه ثروت اجتماعی-عاطفی و همسویی منافع بین مدیران و مالکان و مسائل نمایندگی کمتر در آن، رابطه منفی بین مسئولیت پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت ها را تعدیل (تشدید) می کند. نتایج آزمون تحلیل حساسیت نیز نشان داد که استفاده از معیار جایگزین برای سنجش اجتناب مالیاتی نیز تاثیری بر نتایج اصلی پژوهش ندارد و نتایج پژوهش از استحکام برخوردار است.

اغلب زنان باید بر موانع مشارکت خود در هیئت مدیره غلبه کنند. موانعی مانند طبقه بندی جنسیتی و کلیشه های جنسیتی باعث می شود که تصمیم گیرندگان مرد به زنان به عنوان رهبرانی کمتر توانا و کم صلاحیت نگاه کنند، در حالی که ترجیحات درون گروهی مردان را به این سمت سوق می داده و مدیران مرد را برای ترفیعات و قرار ملاقات های سطح بالا ترجیح می دهند، پدیده ای که معمولاً به عنوان «تولید همسان اجتماعی» شناخته می شود (کوک و گلس، ۲۰۱۶). آن دسته از زنانی که می توانند بر این موانع غلبه کنند، عموماً به منظور افزایش نظارت و بهبود استقلال هیئت مدیره در نظر گرفته می شوند. با این حال، سطح موانعی که زنان برای تصدی پست های هیئت مدیره با آن روبرو هستند، احتمالاً بین شرکت های خانوادگی و غیرخانوادگی متفاوت است. مطالعات قبلی معمولاً گزارش می دهند که زنان بیشتر در شرکت های خانوادگی منصوب می شوند، زیرا اغلب بر اساس پیوندهای خانوادگی و نه به دلیل تخصص تجاری آنها انتخاب می شوند (بیسواس و همکاران، ۲۰۲۱).

وقتی مدیران زن بر اساس پیوند خانوادگی و نه صلاحیت شخصی منصوب می شوند، بعید است که در نظارت مؤثر هیئت مدیره مشارکت داشته باشند. مثلاً در مالزی عبدالله و همکاران (۲۰۱۶) دریافتند که حضور مدیران زن در اتاق هیئت مدیره همیشه ارزش افزوده ندارد، زیرا مدیران زن برای برخی شرکت ها ارزش ایجاد می کنند در حالی که برای برخی دیگر ارزش ایجاد نمی کنند. در کلمبیا، گونزالس^۱ و همکاران (۲۰۲۰) گزارش می دهند که مدیران زن خانواده تأثیر مخربی بر عملکرد شرکت دارند، در حالی که مدیران زن غیرخانواده تأثیر مثبت و معناداری دارند. موتکین^۲ و همکاران (۲۰۱۵) یک رابطه منفی آماری معنی دار بین هیئت های دارای تنوع جنسیتی و میزان افشای گزارشگری پایداری محیطی در دوره ۲۰۰۵-۲۰۰۹ گزارش می کند که با مالکیت خانواده بزرگ تر می شود. در آمریکای لاتین، هوستد^۳ و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند که حضور زنان در هیئت مدیره تأثیر منفی بر افشای محیطی، اجتماعی و حاکمیتی دارد. آنها پیشنهاد می کنند که این امر ممکن است به دلیل فرهنگ جمع گرایی مشاهده شده در آمریکای لاتین و وفاداری به منافع خانواده در تعداد زیادی از شرکت های خانوادگی در این منطقه باشد. شرکت های خانوادگی ممکن است کنترل خانواده را در اولویت قرار دهند یا ندهند. مدیران زن به یکی از دو روش برای مشارکت در عملکرد هیئت مدیره منصوب می شوند. از نقطه نظر مثبت، آنها می توانند رفتار خود خدمتی را نظارت کنند و به دانش شرکت در مورد چگونگی افزایش افشای گزارشگری پایداری محیطی کمک کنند. برعکس، مالکان کنترل کننده خانواده، مدیران زن را بر اساس وابستگی خانوادگی خود، برای انطباق با انتظارات خانواده و پدرسالاری و حفظ منافع شخصی صاحبان خانواده، منصوب می کنند. بر اساس دیدگاه منفی، انتصاب یک مدیر زن وابسته به هیئت مدیره فقط نمادین است و بعید است که تأثیر قابل توجهی بر تصمیمات استراتژیک هیئت مدیره داشته باشد. در مقابل، مدیران زن غیروابسته به طور

¹ Gonzalez et al

² Muttakin et al

³ Husted et al

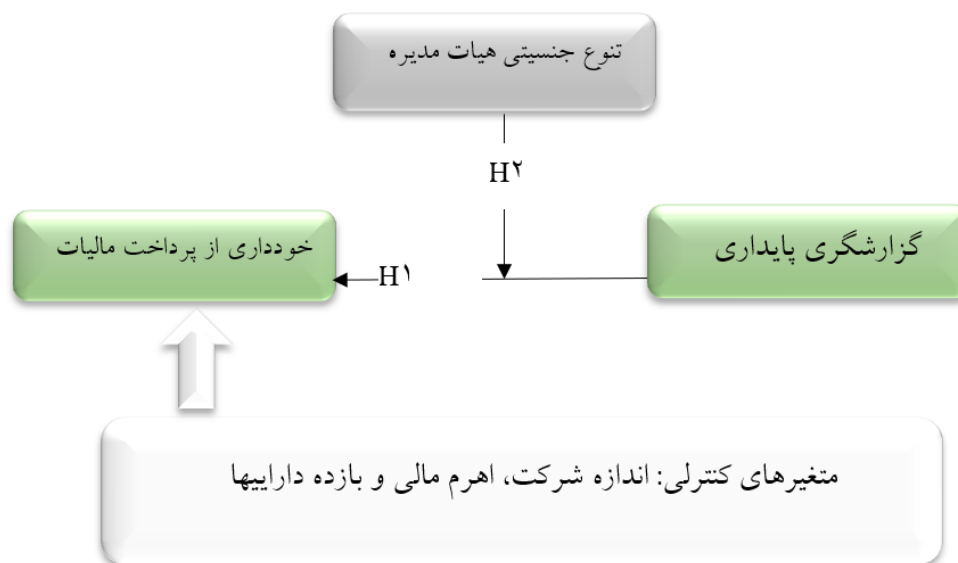
مستقل منصوب می‌شوند و بهتر می‌توانند بر رفتار خود خدمت‌رسان نظارت کنند و به دانش شرکت در مورد اینکه چگونه شرکت می‌تواند افشای گزارشگری پایداری محیطی را افزایش دهد، کمک می‌کنند (بیسواس و همکاران، ۲۰۲۱).

با توجه به این استدلال‌ها فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر مطرح می‌شود:

۱- گزارشگری پایداری بر خودداری از پرداخت مالیات تاثیر دارد.

۲- تنوع جنسیتی هیئت مدیره بر رابطه گزارشگری پایداری و خودداری از پرداخت مالیات تاثیر دارد.

مدل مفهومی پژوهش برگرفته از پژوهش ریگوتن و همکاران (۲۰۲۳) به صورت زیر می‌باشد:



شکل (۱). مدل مفهومی پژوهش (منبع: ریگوتن و همکاران، ۲۰۲۳)

۴- روش شناسی پژوهش

از آنجایی که نتایج حاصل از پژوهش می‌تواند در فرآیند تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گیرد؛ پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی است. از بعد فرایند نوع پژوهش چون از داده‌های کمی استفاده شده است از نوع کمی است؛ و از لحاظ آماری از نوع همبستگی است زیرا برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون خطی چند متغیره استفاده می‌شود. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۹۸ الی ۱۴۰۲ است. در این پژوهش برای انتخاب حجم نمونه از روش غربالگری استفاده شده است. برای انتخاب شرکت‌ها هشت محدودیت در نظر گرفته شده است. تاریخ پذیرش آن‌ها در بورس اوراق بهادار تهران قبل از سال ۱۳۹۸ باشد. به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفند باشد. سهام آن‌ها بیش از ۶ ماه وقفه معاملاتی نداشته باشند. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری (هلدینگ) و واسطه‌گری مالی (لیزینگ و بانک) و بیمه نباشند. در طی سال‌های مورد بررسی سال مالی خود را تغییر نداده باشند. اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این پژوهش در دسترس باشد. در طی سال‌های مورد بررسی تغییر فعالیت نداده باشند. پس از در نظر گرفتن شرایط فوق در نهایت ۱۲۰ شرکت واجد شرایط به عنوان نمونه انتخاب گردیدند.

۵- مدل رگرسیونی و نحوه سنجش متغیرهای پژوهش

مدل آماری این پژوهش بر اساس مطالعه ریگوتن و همکاران (۲۰۲۳) به شرح زیر می باشد:
الگوی (۱):

$$ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 ESG_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + yearfixedeffect_{it} + firmfixedeffect_{it} + \varepsilon_{it}$$

الگوی (۲):

$$ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 ESG_{it} + \beta_2 WD_{it} + \beta_3 (ESG_{it} \times WD_{it}) + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 ROA_{it} + yearfixedeffect_{it} + firmfixedeffect_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش شامل متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی به شرح زیر اندازه گیری شده اند:

متغیر مستقل: گزارشگری پایداری (ESG)

گزارشگری پایداری (ESG) به عنوان متغیر مستقل این پژوهش در نظر گرفته شده است. که برای محاسبه آن از الگوی فخاری و همکاران (۱۳۹۶) که منطبق با محیط گزارشگری مالی ایران می باشد، استفاده شده است. الگوی مذکور به شرح زیر است:

$$ESG = 0.337E + 0.338S + 0.275G$$

که در آن:

ESG: امتیاز گزارشگری پایداری ؛ E: نمره بُعد زیست محیطی، S: نمره بُعد اجتماعی و G: نمره بُعد حاکمیتی است که چک لیست شاخص های مربوط به هریک از ابعاد فوق در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۱. شاخص های ابعاد گزارشگری پایداری

شاخصهای بعد زیست محیطی	شاخصهای بعد اجتماعی	شاخصهای بعد حاکمیتی
۱. آلایندگی و آلودگی،	۱. سلامت و امنیت و بهره وری	۱. رعایت حقوق سهامداران
ضایعات	۲. حقوق نیروی کار	۲. کمیته ها
۲. انرژی، بهره وری، آب	۳. ادراک اجتماعی ذینفعان	۳. مدیریت ریسک
۳. تنوع زیستی	۴. سلامت تولید	۴. جبران عملکرد
۴. تغییر آب و هوا	۵. عدم تبعیض و شمول اجتماعی	۵. اخلاق و اصول رفتاری
۵. ارزیابی ریسک محیطی	۶. مسائل اجتماعی مشتریان و	۶. شفاف سازی راهبری
۶. مسائل خدمات و	زنجیره تأمین	۷. انطباق با قوانین
زنجیره تأمین	۷. رعایت اصول حقوق بشر	۸. ترکیب هیئت مدیره
۷. آموزش محیطی	۸. توسعه اجتماعی و بشر دوستی	۹. مدیریت ریسک سرمایه
۸. سیستم مدیریت محیطی	۹. سرمایه گذاری مسئولیت اجتماعی	گذاری
۹. شفاف سازی محیطی	۱۰. حفظ نام تجاری و رفتار ضد رقابتی	
	۱۱. یادگیری و آموزش اجتماعی	

۱۲. شفاف سازی اجتماعی	
-----------------------	--

منبع: فخاری و همکاران (۱۳۹۶)

بدین ترتیب، بر اساس چک لیست مذکور، یادداشت‌های توضیحی و گزارش فعالیت هیئت مدیره شرکت‌های نمونه مورد تحلیل محتوا قرار گرفته و در صورت وجود هر شاخص برای آن امتیاز ۱ و در غیر این صورت امتیاز صفر در نظر گرفته می‌شود.

متغیر وابسته: خودداری از پرداخت مالیات (ETR)

در پژوهش حاضر به پیروی رضائی پشته نوئی و همکاران (۱۴۰۰)، برزگر و همکاران (۱۳۹۹) و سلیمان و السید (۲۰۲۳) جهت محاسبه اجتناب مالیاتی، از نرخ موثر مالیاتی (ETR) استفاده می‌شود که از طریق رابطه زیر محاسبه می‌گردد:

$$ETR_{i,t} = \frac{TTE_{i,t}}{PTE_{i,t}}$$

که در آن:

$ETR_{i,t}$: نرخ موثر مالیاتی شرکت i در سال t ، $TTE_{i,t}$: کل هزینه مالیات شرکت i در سال t و $PTE_{i,t}$: سود قبل از مالیات شرکت i در سال t است. از آنجا که هر چه نرخ موثر مالیاتی شرکت کمتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت بیشتر است، لذا نرخ‌های مالیاتی محاسبه شده در عدد منفی یک (-۱) ضرب می‌شود تا معیار مستقیمی از اجتناب مالیاتی شرکت بدست آید.

متغیر تعدیل گر: تنوع جنسیتی هیئت مدیره

تعداد زن در هیئت مدیره تقسیم بر کل اعضای هیئت مدیره بدست می‌آید.

متغیرهای کنترلی

به پیروی از مطالعه سلیمان و السید (۲۰۲۳) متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی و بازده داراییها به عنوان برخی عوامل کنترلی موثر بر خودداری از پرداخت مالیات در نظر گرفته شده اند که در ادامه نحوه محاسبه این متغیرها ذکر گردیده است:

اندازه شرکت (FS): بر اساس لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت محاسبه می‌گردد.

اهرم مالی (LEV): بر اساس نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت محاسبه می‌گردد.

بازده داراییها (ROA): بر اساس نسبت سودخالص به کل داراییها محاسبه می‌گردد.

۶- یافته های پژوهش

در اولین گام جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، محقق باید توصیف دقیقی از متغیرهای پژوهش داشته باشد. توصیف داده‌ها قبل از برآورد مدل، اطلاعات مهم و ارزشمندی در اختیار او قرار می‌دهد. آگاهی از شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و توزیعی متغیرها، منجر می‌شود تا محقق در ادامه پژوهش خود با آگاهی بیشتری به تحلیل متغیرها بپردازد. در جدول (۲) توصیف آماری متغیرها به همراه میانگین، میانه، انحراف معیار، بیشینه، کمینه، چولگی، کشیدگی قابل مشاهده است.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر شاخص	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
خودداری از پرداخت مالیات	۰.۱۰۵	۰.۱۱۰	۰.۴۵۰	-۰.۱۶	۰.۰۸۰
گزارشگری پایداری	۰.۳۷۵	۰.۳۷۰	۰.۶۱۰	۰.۲۱۰	۰.۰۵۹
تنوع جنسیتی هیئت مدیره	۰.۰۵۳	۰.۰۰۰	۰.۲۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۸۴
اندازه شرکت	۱۶.۱۷	۱۶.۰۲	۲۰.۸۵	۱۲.۰۳	۱.۵۲۷
اهرم مالی	۰.۴۶۸	۰.۴۵۰	۱.۹۶۰	۰.۰۲۰	۰.۲۱۸
بازده داراییها	۰.۱۹۲	۰.۱۷۰	۰.۷۷۰	-۰.۲۵	۰.۱۸۸

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به جدول (۱)؛ نتایج آمار توصیفی در نمونه مورد مطالعه شرکت‌های ایرانی نشان‌دهنده الگوی رفتاری خاصی در ارتباط با متغیرهای پژوهش است. میانگین خودداری از پرداخت مالیات (۰.۱۰۵) با انحراف معیار نسبتاً پایین (۰.۰۸) حاکی از وجود رویه‌های نسبتاً یکسانی در میان شرکت‌های نمونه است، هرچند دامنه تغییرات قابل توجه (از -۰.۱۶ تا ۰.۴۵) نشان‌دهنده تنوع در استراتژی‌های مالیاتی شرکتها می‌باشد. از سوی دیگر، میانگین گزارشگری پایداری (۰.۳۷۵) با انحراف معیار کم (۰.۰۵۹) بیانگر سطح متوسطی از شفافیت در گزارش‌دهی است که در اکثر شرکت‌های ایرانی از ثبات نسبی برخوردار است. شاخص‌های اندازه شرکت با میانگین ۱۶.۱۷ (در لگاریتم کل دارایی‌ها) و اهرم مالی با میانگین ۰.۴۶۸ نشان‌دهنده غالب بودن شرکت‌های متوسط با سطح متعادل از بدهی در نمونه مورد مطالعه است. بازده دارایی‌ها با میانگین ۰.۱۹۲ و میانه ۰.۱۷ بیانگر عملکرد نسبتاً مناسب شرکت‌های ایرانی در ایجاد ارزش از دارایی‌های خود می‌باشد، اگرچه وجود مقادیر منفی (تا -۰.۲۵) در برخی شرکت‌ها نشان‌دهنده چالش‌های خاص در مدیریت دارایی‌ها در بخشی از بنگاه‌های اقتصادی کشور است. این الگوی آماری، بستر مناسبی برای تحلیل روابط بین متغیرها در شرایط خاص اقتصاد ایران فراهم می‌آورد.

نتایج حاصل از آزمون مانایی متغیرها که در جدول (۲) نمایش داده شده است.

جدول ۲- نتایج آزمون لوین، لین و چو جهت بررسی مانایی متغیرها (در سطح متغیر)

نتیجه آزمون	در سطح متغیر		متغیر
	p-value	آماره F لوین، لین، چو	
ایستا در سطح متغیر	۰,۰۰۰	-۴۲,۰۹۴	خودداری از پرداخت مالیات
ایستا در سطح متغیر	۰,۰۰۰	-۱۵,۰۳۰	گزارشگری پایداری
ایستا در سطح متغیر	۰,۰۰۰	۱۹,۰۳۴	تنوع جنسیتی هیئت مدیره

اندازه شرکت	-۶۸.۰۷۱	۰,۰۰۰	ایستا در سطح متغیر
اهرم مالی	-۵۱.۱۵۳	۰,۰۰۰	ایستا در سطح متغیر
بازده داراییها	-۴۳.۰۲۶	۰,۰۰۰	ایستا در سطح متغیر

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج آزمون لوین، لین و چو نشان می‌دهد که همه متغیرهای به کار رفته در این پژوهش در سطح ۹۵ درصد ایستا هستند. با توجه به اینکه متغیرهای پژوهش در سطح متغیر ایستا می‌باشند؛ بنابراین نیازی به انجام آزمون هم‌انباشتگی نمی‌باشد. داده‌های این پژوهش به صورت داده‌های ترکیبی می‌باشند در داده‌های ترکیبی ابتدا از آزمون لیمر استفاده می‌شود تا تلفیقی یا تابلویی بودن داده‌ها مشخص گردد و در صورت استفاده از روش داده‌های تابلویی به منظور این که مشخص گردد کدام روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی برای برآورد مدل مناسب‌تر است از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. همچنین برای تشخیص ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی در مدل به ترتیب از آزمون نسبت درست‌نمایی (LR) و وولدریج استفاده گردید که نتایج حاصل از این آزمون‌ها در جدول شماره (۳) ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون‌های مورد استفاده برای مدل‌های پژوهش

نوع آزمون	مدل	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
آزمون F لیمر	اول	۲/۵۷۲	۰/۰۰۰	روش تابلویی
	دوم	۴/۶۴۴	۰/۰۰۰	
آزمون هاسمن	اول	۴/۲۲۶	۰/۳۷۶	روش اثرات تصادفی
	دوم	۲/۶۳۸	۰/۶۲۰	
آزمون نسبت درست‌نمایی	اول	۳۴۲/۵۰۷	۰/۰۰۰	ناهمسانی واریانس
	دوم	۲۱۱/۲۷۹	۰/۰۰۰	
آزمون وولدریج	اول	۱/۳۶۵	۰/۱۴۲	عدم وجود خود همبستگی
	دوم	۱/۷۱۱	۰/۰۹۸	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به جدول شماره (۳) آزمون F لیمر و سطح معناداری آن کمتر از ۰۰۰۵ بوده لذا فرضیه صفر آزمون رد شده و بیانگر آن است که باید از روش داده‌های تابلویی استفاده شود. همچنین با توجه به نتایج آزمون هاسمن و سطح معناداری آن (بزرگتر از ۰۰۰۵)، لازم است که مدل با استفاده از روش اثرات تصادفی برآورد گردد. نتایج آزمون نسبت درست‌نمایی و سطح معناداری آن (کمتر از ۰۰۰۵) نشان می‌دهد که مدل دارای مشکل ناهمسانی واریانس است. به منظور رفع این مشکل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) برای برآورد مدل استفاده می‌شود. همچنین، سطح معناداری آزمون وولدریج حاکی از عدم وجود خود همبستگی سریالی در مدل‌ها است. علاوه بر این، به منظور اطمینان از عدم وجود مشکل هم خطی بین متغیرهای توضیحی آزمون هم خطی با استفاده از عامل تورم واریانس (VIE) مورد بررسی قرار گرفت که با توجه آنکه مقادیر این آماره برای متغیرهای توضیحی کمتر از ۱۰ است لذا هم خطی بین آن‌ها وجود ندارد.

جدول ۴- نتایج برآورد مدل اول با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته

متغیر	نماد	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
گزارشگری پایداری	ESG	-۰.۲۶۶۷۷۱	۰.۰۵۳۵۸۲	-۴.۹۷۸۷۴۳	۰.۰۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰.۰۰۸۹۶۷	۰.۰۰۲۶۵۸	-۳.۳۷۳۹۹۶	۰.۰۰۰۰۸
اهرم مالی	LEV	۰.۰۷۳۵۰۸	۰.۰۲۲۵۳۱	۳.۲۶۲۴۷۱	۰.۰۰۰۱۲
بازده داراییها	ROA	۰.۰۰۷۵۱۳	۰.۰۲۶۰۸۲	۰.۲۸۸۰۴۸	۰.۷۷۳۴
عرض از مبدأ	C	۰.۲۳۶۶۵۹	۰.۰۴۸۰۶۶	۴.۹۲۳۵۸۸	۰.۰۰۰۰
سال	yearfixedeffectit		کنترل شد		
صنعت	firmfixedeffectit		کنترل شد		
آماره دوربین واتسن	Durbin-Watson stat		۱,۶۸		
ضریب تعیین	R-squared		۰.۵۴۵		
ضریب تعیین تعدیل شده	Adjusted R-squared		۰.۵۳۹		
آماره F ^۱ فیشر (سطح معنی داری)			۵,۵۵۲۷۶۷ (۰,۰۰۰)		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

یکی از فرضیاتی که در رگرسیون مدنظر قرار می گیرد، استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش بینی توسط مدل رگرسیون) از یکدیگر است. در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. به منظور استقلال خطاها از یکدیگر از آماره دوربین-واتسون استفاده می شود که چنانچه مقدار آن در بازه ۲/۵ تا ۱/۵ قرار گیرد عدم همبستگی بین خطاها پذیرفته می شود و در غیر این صورت همبستگی بین خطاها وجود دارد. با توجه به مقادیر بدست آمده در جدول بالا، چون میزان دوربین واتسون ۹۱.۱ می باشد، در نتیجه عدم همبستگی بین خطاها پذیرفته می شود.

همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل برازش شده می توان ادعا نمود، ۵۳ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل، توسط متغیرهای توضیحی مدل تبیین می شود. همچنین مقدار آماره F مدل رگرسیونی برابر با ۵,۵۵۲ در سطح معناداری صفر می باشد که نشان می دهد معناداری کل مدل برازش شده تایید می گردد.

با توجه به نتایج حاصل از جدول (۴) و سطح معنی داری محاسبه شده می توان بیان داشت:

سطح معنی داری متغیر گزارشگری پایداری کوچکتر از سطح خطاست ($\text{prob} < 0/05$)، بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد ضریب و آماره t مربوط به این متغیر نشان دهنده این است گزارشگری محیط زیستی، اجتماعی و حاکمیتی بر خودداری از پرداخت مالیات تأثیر دارد. در خصوص ضریب که برابر $-0,26$ - گردید می توان بیان داشت به ازای هر واحد افزایش در گزارشگری پایداری کوچکتر؛ خودداری از پرداخت مالیات شرکت ها $0,26$ واحد کاهش می یابد. از نظر علایم پارامترهای برآوردی، علامت متغیر منفی می باشد، لذا افزایش (کاهش) گزارشگری پایداری سبب کاهش (افزایش) خودداری از پرداخت مالیات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می گردد. سایر نتایج نشان داد:

سطح معنی داری متغیرهای اندازه شرکت و اهرم مالی کوچکتر از سطح خطاست ($\text{prob} < 0/05$)، بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد ضریب و آماره t مربوط به این متغیرها نشان دهنده این است اندازه شرکت و اهرم مالی بر خودداری از پرداخت مالیات شرکت ها تأثیر دارد.

سطح معنی داری متغیر بازده داراییها بزرگتر از سطح خطاست ($\text{prob} > 0/05$)، بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد ضریب و آماره t مربوط به این متغیر نشان دهنده این است بازده داراییها بر خودداری از پرداخت مالیات شرکت ها تأثیر دارد.

جدول ۵- نتایج برآورد مدل دوم با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته

متغیر	نماد	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
گزارشگری پایداری	ESG	-0.259966	0.063822	-4.073	0.000
تنوع جنسیتی هیئت مدیره	WD	-0.226971	0.044	-5.102	0.012
گزارشگری پایداری * تنوع جنسیتی هیئت مدیره	ESG * WD	0.149068	0.040	3.657	0.002
اندازه شرکت	SIZE	-0.009293	0.002	-3.470	0.000
اهرم مالی	LEV	-0.074492	0.022	-3.299	0.001
بازده داراییها	ROA	0.008152	0.026	0.312	0.755
عرض از مبدأ	C	0.241098	0.050	4.773	0.000
سال	yearfixedeffectit	کنترل شد			
صنعت	firmfixedeffectit	کنترل شد			
آماره دوربین واتسن	Durbin-Watson stat	1.81			

ضریب تعیین	R-squared	۰.۵۵۱
ضریب تعیین تعدیل شده	Adjusted R-squared	۰.۵۴۲
آماره F فیشر (سطح معنی داری)		(۰,۰۰۰)۵,۴۵۶

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به مقادیر بدست آمده در جدول بالا، چون میزان دوربین واتسون ۱,۸۱ می باشد، در نتیجه عدم همبستگی بین خطاها پذیرفته می شود. همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل برازش شده می توان ادعا نمود، ۵۴ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل، توسط متغیرهای توضیحی مدل تبیین می شود. همچنین مقدار آماره F مدل رگرسیونی برابر با ۵,۵۵۲ در سطح معناداری صفر می باشد که نشان می دهد معناداری کل مدل برازش شده تایید می گردد.

با توجه به نتایج حاصل از جدول (۵) و سطح معنی داری محاسبه شده می توان بیان داشت:

سطح معنی داری متغیر (گزارشگری پایداری * تنوع جنسیتی هیئت مدیره) کوچکتر از سطح خطاست ($\text{prob} < 0/05$)، بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد ضریب و آماره t مربوط به این متغیر نشان دهنده این است تنوع جنسیتی هیئت مدیره بر رابطه بین گزارشگری پایداری و خودداری از پرداخت مالیات شرکت ها تاثیر دارد. در خصوص ضریب که برابر ۰,۱۵ گردید می توان بیان داشت به ازای هر واحد افزایش در تنوع جنسیتی هیئت مدیره، ارتباط بین گزارشگری پایداری و خودداری از پرداخت مالیات شرکت ها ۰,۱۵ واحد تقویت می شود. از نظر علایم پارامترهای برآوردی، علامت متغیر مثبت می باشد، لذا افزایش (کاهش) تنوع جنسیتی هیئت مدیره سبب تقویت (تضعیف) ارتباط بین گزارشگری پایداری و خودداری از پرداخت مالیات شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می گردد.

سایر نتایج نشان داد:

سطح معنی داری متغیرهای اندازه شرکت و اهرم مالی کوچکتر از سطح خطاست ($\text{prob} < 0/05$)، بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد ضریب و آماره t مربوط به این متغیرها نشان دهنده این است اندازه شرکت و اهرم مالی بر خودداری از پرداخت مالیات شرکت ها تاثیر دارد.

سطح معنی داری متغیر بازده داراییها بزرگتر از سطح خطاست ($\text{prob} > 0/05$)، بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد ضریب و آماره t مربوط به این متغیر نشان دهنده این است بازده داراییها بر خودداری از پرداخت مالیات شرکت ها تاثیر دارد.

۷- بحث و نتیجه گیری

گزارشگری پایداری به عنوان سازوکاری کلیدی در عرصه حاکمیت شرکتی مدرن، نه تنها ابزاری برای پاسخگویی شفاف در قبال عملکردهای محیط زیستی، اجتماعی و حکمرانی محسوب می شود، بلکه به عنوان لتری تحلیلی جهت واکاوی تنش های ذاتی بین تعهدات اخلاقی و راهبردهای مالی شرکتهای عمل میکند. یافته های این تحقیق نه تنها از منظر سیاست گذاری عمومی، بلکه برای ذی نفعان بازار سرمایه نیز حاوی پیام های کاربردی است. برای این منظور، در پژوهش حاضر نقش تنوع جنسیتی هیئت مدیره بر رابطه گزارشگری پایداری و خودداری از پرداخت مالیات در بورس اوراق بهادار تهران بررسی قرار گرفت. برای دستیابی به این هدف، نمونه ای متشکل از ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس

اوراق بهادار تهران در نظر گرفته شد. نتایج آزمون اولین فرضیه پژوهش حاکی از آن است که گزارشگری پایداری بر خودداری از پرداخت مالیات تأثیر منفی و معناداری دارد. در تبیین نتایج این فرضیه می توان بیان داشت :

گزارشگری پایداری تلاشی از سوی شرکت است تا بتواند برای ذینفعان خود منتفع شود. تئوری ذینفعان به شرکت دستور می دهد تا تمام ذینفعان مختلفی را که بر سازمان تأثیر می گذارند یا تحت تأثیر قرار می دهند، نمایندگی کند. بنابراین، نظریه ذینفعان رابطه منفی بین گزارشگری پایداری و اجتناب مالیاتی را استدلال می کند. همچنین ادبیات قبلی استدلال می کند که شرکت هایی که گزارشگری پایداری بالاتری دارند، در مقایسه با شرکت های با گزارشگری پایداری پایین تر، کمتر از مالیات اجتناب می کنند (ریگوئن^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). مطالعه حاضر نشان می دهد که گزارشگری محیط زیستی، اجتماعی و حاکمیتی از طریق مکانیزم های چندگانه بر رفتار مالیاتی شرکت ها تأثیر می گذارد. از یک سو، افزایش شفافیت ناشی از گزارش دهی محیط زیستی، اجتماعی و حاکمیتی، هزینه های سیاسی و اعتباری رفتارهای اجتناب مالیاتی را افزایش می دهد و از سوی دیگر، بهبود ساختارهای حاکمیتی و مسئولیت پذیری اجتماعی، انگیزه های مدیریت برای بهره گیری از راهکارهای مالیاتی تهاجمی را کاهش می دهد. با این حال، شدت این رابطه به کیفیت اجرایی سازی استانداردهای محیط زیستی، اجتماعی و حاکمیتی و ساختار حاکمیتی شرکت ها وابسته است، به گونه ای که در شرکت های با حاکمیت شرکتهای ضعیف و مالکیت متمرکز، تأثیر گزارش دهی محیط زیستی، اجتماعی و حاکمیتی بر کاهش خودداری از پرداخت مالیات تضعیف می شود. این یافته ها حاکی از آن است که گزارشگری محیط زیستی، اجتماعی و حاکمیتی زمانی می تواند به ابزاری مؤثر برای بهبود انضباط مالیاتی تبدیل شود که در چارچوب نظام حاکمیت شرکتهای کارآمد و محیط نظارتی قوی به کار گرفته شود. نتیجه حاصل از فرضیه تحقیق با مطالعات ریگوئن و همکاران (۲۰۲۳)، بیسواس^۲ و همکاران (۲۰۲۱)، و قادرزاده و علوی (۱۴۰۱) همسو و سازگار می باشد.

نتایج آزمون دومین فرضیه پژوهش حاکی از آن است که تنوع جنسیتی هیئت مدیره بر رابطه بین گزارشگری پایداری و خودداری از پرداخت مالیات شرکت ها تأثیر دارد. در تبیین نتایج این فرضیه می توان بیان داشت :

بر اساس نظریه وابستگی به منابع زنان در هیئت مدیره در فعالیتهای برنامه ریزی مالیاتی شرکت نمی کنند و جنسیت نقش عمده ای در فرآیند تصمیم گیری شرکت ایفا می کند. دیدگاه وابستگی به منابع، نشان می دهد که شرکت ها به منابع خارجی از طرف سهامداران وابسته هستند و مشروعیت برای حفظ حمایت آنها ضروری است (بیسواس و همکاران، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، نظریه وابستگی به منابع مبتنی بر این دیدگاه است که برای بقا، شرکت ها معمولاً به واحدهای خارجی وابسته هستند که از طریق آنها می توانند منابع خاصی را مبادله کرده و به دست آورند و از منظر حاکمیت شرکتهای، شرکت ها به دنبال ساختار بندی عضویت در هیئت مدیره شرکت هستند. بر این اساس همانطور که در بالا مورد بحث قرار گرفت، نظریه وابستگی به منابع نشان می دهد که شرکت ها برای منابع به واحدهای خارجی وابسته هستند و افزایش تنوع جنسیتی در هیئت مدیره به شرکت در درک و پاسخگویی به محیط خود کمک می کند. از این نظر، هیئت مدیره متنوع این پتانسیل را دارد که اثربخشی هیئت مدیره را افزایش دهد، زیرا منابع ادغام شده بیشتری وجود خواهد داشت و در نتیجه بر گزارشگری پایداری شرکت تأثیر می گذارد. بنابراین با توجه به نظریه ذینفعان و نظریه وابستگی به

¹ Riguen

² Biswas

منابع، تنوع هیئت مدیره می تواند بر رابطه بین گزارشگری پایداری و اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر بگذارد (ریگوئن و همکاران، ۲۰۲۳). در رابطه با تأثیر زنان در فرآیند تصمیم گیری اتخاذ استراتژی مالیاتی، کاستلونگر و همکاران (۲۰۱۰) و لانیس و همکاران (۲۰۱۷) استدلال می کنند که زنان در هیئت مدیره در فعالیت های برنامه ریزی مالیاتی شرکت نمی کنند. جنسیت نقش عمده ای در فرآیند تصمیم گیری شرکت ایفا می کند (لی و جیمز، ۲۰۰۷). حسینی و صفری گرایلی (۲۰۱۸) دریافتند که حضور زنان در هیئت مدیره شرکت ها به دلیل وابستگی بیشتر به اخلاق، گزارشگری پایداری را افزایش می دهد و در نتیجه به تغییرات نگرش در اخلاق مالیاتی و پرداخت به موقع مالیات کمک می کند. نتیجه حاصل از فرضیه تحقیق با مطالعات ریگوئن^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، بیسواس^۲ و همکاران (۲۰۲۱)، السادی^۳ (۲۰۲۱) و قادرزاده و علوی (۱۴۰۱) همسو و سازگار می باشد.

بر اساس نتایج کسب شده به مدیران و اعضای هیئت مدیره شرکت های پذیرفته اوراق بهادار پیشنهاد می شود این شرکت ها نه تنها باید در فعالیت های گزارشگری پایداری سرمایه گذاری کنند، بلکه باید به طور منظم به فعالیت های گزارشگری پایداری متعهد شوند تا اثربخشی سرمایه گذاری فعالیت های گزارشگری پایداری را در طول زمان افزایش دهند. بر اساس نتایج فرضیه دوم تحقیق پیشنهاد می شود که سهامداران به ایجاد ترکیب جنسیتی در ترکیب هیأت مدیره توجه نمایند. زنان به دلیل ویژگی هایی از جمله تشخیص سریع مشکلات شرکت، رابطه ی قویتر و بهتر با کارکنان، صداقت بیشتر در کارها، تشویق کارکنان و ... باعث ایجاد تصمیمات اخلاقی در شرکتها میشوند. برای اینکه بتوان از این ویژگی ها استفاده نمود در وهله ی اول می توان مسیر را برای حضور زنان در ترکیب هیأت مدیره با راهکارهای مختلفی از جمله وضع قوانین و مقررات جدید در مورد انتخاب اعضای هیأت مدیره در شرکتها و تشویق آنان و فرهنگ سازی این امر هموار کرد. در وهله ی دوم میتوان برخی ویژگی های زنان که بیشتر جنبه اکتسابی دارند را به وسیله ی کلاسها و دوره های آموزشی و فرهنگ سازی در مدیران مرد تقویت کرد.

بر اساس یافته های این تحقیق می توانیم پیشنهادات زیر را برای پژوهشگران آتی داشته باشیم:

- بررسی تاثیر قدرت استانداردهای حسابرسی بر رابطه بین گزارشگری پایداری و خودداری از پرداخت مالیات.
- با توجه به محدودیت دسترسی به منابع تحقیقاتی در خصوص حضور تنوع جنسیتی هیئت مدیره در هیات مدیره شرکتها، بررسی در ایران پیشنهاد می شود محرک های اصلی حضور تنوع جنسیتی هیئت مدیره در هیات مدیره در ایران طی یک مطالعاتی با رویکرد کمی و کیفی، مورد پژوهش قرار گیرد. بررسی تاثیر رفتار اخلاقی مدیر عامل بر رابطه بین خودداری از پرداخت مالیات و ریسک مالیاتی.

منابع و مأخذ

خلیلی، محمد، ذبیحی، علی، فغانی ماکرانی، خسرو (۱۴۰۳). بین مدلی برای تاثیر فرهنگ سازمانی و عوامل اقتضایی بر گزارشگری پایداری با رویکرد عملکرد اقتصادی (GRI ۲۰۱) دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. ۱۳ (۵۰).

۳۳۸-۳۱۹

داداش آغچه کند، سمیرا (۱۳۹۶). بیش اعتمادی مدیران و مسئولیت اجتماعی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.

¹ Riguén

² Biswas

³ Alsaadi

رضائی پتیه نوئی، یاسر، غلامرضا پور، محمد، کاظمی، سید پوریا، امیرنیا، نرجس. (۱۴۰۰). بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی: آزمون نظریه ثروت اجتماعی- عاطفی و نمایندگی. پژوهش‌های حسابداری مالی.

قادرزاده، سیدکریم، و علوی، سیدمصطفی. (۱۴۰۱). اجتناب مالیاتی: مسئولیت اجتماعی و نقش تعدیل‌گر مالکیت خانوادگی. دانش حسابداری، ۱۲(۳) (پیاپی ۴۶)، ۱۱۱-۱۲۸.

کاخ‌سر، مهسا. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین ویژگی‌های مدیریت و ساختار مالکیت با مسئولیت‌پذیری اجتماعی در شرکت‌های سود ده در مقایسه با شرکت‌های زیان ده. پارسای داخل کشور کارشناسی ارشد. دانشگاه ارومیه، دانشکده اقتصاد و مدیریت

Alkhazalih, Q., Md Shahbudin, A., & Ghazali, A. (2023). The relationship between corporate governance mechanisms and CSR disclosure: Evidence from Jordanian's listed firms. *Journal of Public Administration and Governance*, 12(4), 47. <https://doi.org/10.5296/jpag.v12i4.20499>

Alsaadi, A. (2021). Family ownership and corporate social responsibility disclosure. *Spanish Journal of Finance and Accounting / Revista Española de Financiación y Contabilidad*, 1-23. <https://doi.org/10.1080/02102412.2021.1904661>

Andrades, J., Martinez-Martinez, D., & Larrán, M. (2024). Sustainability reporting, institutional pressures and universities: Evidence from the Spanish setting. *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal*, 14(2), 125-137.

Bianco, B., Ciavarella, A., & Signoretti, R. (2015). Women on corporate boards in Italy: The role of family connections. *Corporate Governance: An International Review*, 23(2), 129-144. <https://doi.org/10.1111/corg.12097>

Biswas, P., Roberts, H., & Whiting, R. (2021). Female directors and CSR disclosure in Bangladesh: The role of family affiliation. *Meditari Accountancy Research*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1108/MEDAR-10-2019-0587>

Chen, C., Leung, W. S., Tao, X., & Wang, H. (2023). The impact of financial reporting flexibility on auditor risk judgement: Evidence from the implementation of FIN 46R. *Journal of Accounting and Public Policy*, 42(3), 107084. <https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2023.107084>

Chouaibi, Y., & Zouari, G. (2021). The effect of corporate social responsibility practices on real earnings management: Evidence from a European ESG data. *International Journal of Disclosure and Governance*, 19(1), 11-30. <https://doi.org/10.1057/s41310-021-00120-6>

Liu, M. (2013). A study on the corporate governance and the disclosure of environmental information of the listed companies in Guangdong Province. *Journal of Jinan (Philosophy and Social Sciences Ed.)*, 35(9), 50-57+161-162.

Liu, X., & Anbumozhi, V. (2019). Determinant factors of corporate environmental information disclosure: An empirical study of Chinese listed companies. *Journal of Cleaner Production*, 17(6), 593-600. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2019.04.130>

Riguen, R., Kachouri, M., & Jarboui, A. (2023). The moderating effect of women directors on the relationship between corporate social responsibility and corporate tax avoidance? Evidence from Malaysia. *Journal of Accounting in Emerging Economies*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1108/JAEE-01-2021-0029>

Wu, W., Le, C., Shi, Y., & Alkaraan, F. (2024). The influence of financial flexibility on firm performance: The moderating effects of investment efficiency and investment scale. *Journal of Applied Accounting Research*, 11(3), 89-121. <https://doi.org/10.1108/JAAR-05-2023-0123>

Xie, J., Nozawa, W., Yagi, M., Fujii, H., & Managi, S. (2019). Do environmental, social, and governance activities improve corporate financial performance? *Business Strategy and the Environment*, 28(2), 286-300. <https://doi.org/10.1002/bse.2224>

Note: For Liu (2013) which appears to be a Chinese source, I've maintained the original journal title format as it appears to be proper. For sources without DOIs, I've omitted that element as per APA guidelines when not available. All references are alphabetized by first author's last name.

The Role of Board Gender Diversity on the Relationship between Sustainability Reporting and Tax Evasion in Tehran Stock Exchange

Abstract

Sustainability reporting, as a multidimensional accountability system, creates a paradoxical relationship with the phenomenon of tax evasion, in which the inherent tension between transparency-oriented requirements and tax optimization incentives can be analyzed through complex mediating variables. In this study, the role of board gender diversity on the relationship between sustainability reporting and tax evasion in companies listed on Tehran Stock Exchange during the period 2019-2023 was examined. This research is applied in terms of purpose and in terms of nature, a descriptive study with an emphasis on correlational relationships, because on the one hand it examines the current situation and on the other hand it determines the relationship between different variables using regression analysis. In addition, it falls into the field of post-event studies (using past information) and is based on real information from the financial statements of companies listed on the Tehran Stock Exchange and other real information that can be generalized to the entire statistical population by inductive method. The statistical sample of the research was 120 companies selected by systematic elimination method. The results of the hypothesis test at the five percent error level showed: sustainability reporting has a negative and significant effect on corporate tax evasion, and also gender diversity of the board of directors has an effect on the relationship between sustainability reporting and corporate tax evasion. The findings suggest that sustainability reporting can act as a dual tool, on the one hand, reducing aggressive tax behavior by increasing transparency and accountability, and on the other hand, by legitimizing companies, creating space for abuse. This contradiction highlights the need to develop integrated regulatory frameworks and more rigorous reporting standards to align sustainability goals with tax obligations.

Keywords

Sustainability reporting, tax, tax evasion, board gender diversity.